

محسن پیرهادی

فاصله میان «آسیب» و «ترمیم»



واقعیت را نمی‌شود نادیده گرفت، همان‌طور که نباید در آن متوقف شد. کشوری که درگیر جنگ شده، حتی اگر در میدان نظامی دست بالا را داشته باشد، در لایه‌های عمیق‌تر بازخم‌هایی مواجه‌است که ترمیم‌شان زمان، منابع و صبوری می‌خواهد. زیرساخت‌هایی که آسیب دیده‌اند، فقط بتن و فولاد نیستند؛ بخشی از ظرفیت تولید، بخشی از رفاه و بخشی از ریتم عادی زندگی مردم هم با آن‌ها آسیب می‌بیند. این یک واقعیت است، نه اغراق.

امادرسوی دیگر، تبدیل این واقعیت به یک تصویر تاریک وین بست‌گونه هم خطاست. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که بازسازی، اگر باتدبیر و همراهی عمومی باشد، می‌تواند به نقطه بازتعریف ظرفیت‌ها تبدیل شود. مسئله اینجاست که ما چگونه این فاصله میان «آسیب» و «ترمیم» را طی کنیم.

در چنین شرایطی، دو خطای رایج بیش از هر چیز می‌تواند هزینه‌ساز شود.

اول، ناامیدی پنهان یا آشکار. این که هر ضربه را به معنای فروپاشی ببینیم، هر اختلال را نشانه ناتوانی تلقی کنیم و هر سختی را به آینده‌ای تاریک تعمیم دهیم. این نگاه، بیش از آن که واقع‌بینانه باشد، فرساینده‌است. چون جامعه را از درون تهی می‌کند و قدرت تصمیم‌گیری منطقی را کاهش می‌دهد.

دوم، بی‌خیالی خوش‌بینانه. این که گمان کنیم همه چیز مثل قبل ادامه دارد و می‌توان همان الگوی مصرف، همان سطح توقع و همان بی‌تفاوتی نسبت به منابع را حفظ کرد. این نگاه هم به همان اندازه خطرناک‌است، چون فشار واقعی شرایط را نادیده می‌گیرد و هزینه‌ها را به صورت نامرئی به آینده منتقل می‌کند.

واقعیت جایی میان این دو‌است.

کشوری که بخشی از زیرساخت‌هایش آسیب دیده، هم‌زمان با ادامه تحریم و تهدید، طبیعتاً در یک وضعیت عادی قرار ندارد. این یعنی باید در سطح فردی و جمعی، نوعی بازتنظیم اتفاق بیفتد؛ نه از جنس ریاضت‌نمایی شعاری، بلکه از جنس فهم دقیق شرایط.

مصرف‌گرایی در چنین وضعی، فقط یک انتخاب شخصی نیست؛ تبدیل به عاملی می‌شود که فشار بر اقتصاد را بیشتر می‌کند. از آن طرف، کاهش معقول توقعات به معنای عقب‌نشینی از حق نیست، بلکه نوعی مشارکت در عبور از یک دوره گذار است.

در کنار این، یک نکته مهم دیگر هم وجود دارد. اگر مردم قرار است در این مسیر همراهی کنند، باید چشم‌اندازی از «ترمیم» ببینند. یعنی بدانند سختی‌هایی انتها نیست، برنامه‌ای برای بازسازی وجود دارد و این فشارها قرار نیست به یک وضعیت دائمی تبدیل شود. بدون این تصویر، حتی منطقی‌ترین درخواست‌ها هم ممکن است با مقاومت مواجه شود.

در این میان، نقش کارآفرینان، سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران تعیین‌کننده‌تر از همیشه‌است. در شرایط عادی، طبیعی است که هر فعال اقتصادی به دنبال بیشترین سود باشد، اما در وضعیتی که کشور درگیر ترمیم زخم‌هاست، معیار انتخاب‌ها باید کمی تغییر کند. امروز بیش از هر زمان دیگر، نگاه به پروژه‌هایی اهمیت دارد که به بازسازی زیرساخت‌ها، تقویت تولید و ایجاد اشتغال کمک می‌کند، حتی اگر سود آن در کوتاه‌مدت کمتر باشد. این یک دعوت اخلاقی صرف نیست؛ در بلندمدت، آبادانی همین سرزمین است که امنیت سرمایه و پایداری سود را تضمین می‌کند. کسانی که در این خاک رشد کردند و توانمند شدند، اکنون در نقطه‌ای ایستاده‌اند که می‌توانند سهم واقعی خود را در بازسازی ایفا کنند؛ سهمی که اگر به درستی ادا شود، هم به نفع کشور است و هم به نفع آینده خود آن‌ها.

جمع‌بندی ساده‌است، هرچند عمل به آن ساده نیست.

نه می‌شود آسیب‌ها را کوچک شمرد، نه می‌شود آن‌ها را بزرگ‌تر از حد واقعی دید. نه می‌شود در مصرف و توقعات، بی‌ملاحظه ادامه داد، نه می‌شود جامعه را به ناامیدی سپرد.

عبور از این وضعیت، بیش از هر چیز به یک تعادل نیاز دارد؛ تعادلی میان واقع‌بینی و امید، میان درک محدودیت‌ها و حفظ افاق. اگر این تعادل شکل بگیرد، حتی یک کشور جنگ‌زده هم می‌تواند مسیر بازگشت را پیدا کند.

خبر

قالیاب در پیام تسلیت شهادت سردار سیدمجید خادمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه: ضربات سخت‌تری در انتظار دشمنان است

رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی به مناسبت شهادت رئیس سازمان اطلاعات سپاه با بیان اینکه ضربات سخت‌تری در انتظار دشمنان است، تأکید کرد که به شهادت رساندن شهید خادمی نمایش زبونی رژیم صهیونیستی و آمریکای مستکبر است.

به گزارش فارس متن پیام محمدباقر قالیاب، رئیس مجلس شورای اسلامی در پی به شهادت سردار سید مجید خادمی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه به این شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَتَلَ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»

شهادت برادر عزیزم، مجاهد نستوه و رئیس متعهد سازمان اطلاعات سپاه، سردار شهید سیدمجید خادمی نمایش زبونی رژیم صهیونیستی و آمریکای مستکبر است که سعی دارند ضعف میدان شبرد را با تئورهای ناجوانمردانه و حذف مجاهدین فی سبیل الله جبران کنند. کما اینکه این توطئه کوراستکبار همواره ایتروبی نتیجه است و ضربات سخت‌تری در انتظار آنان خواهد بود.

این سردار شریف، اخلاقی مدار و خستگی‌ناپذیر در سالیان طولانی خدمت خود به امنیت و اقتدار ایران عزیز و سربلند، روزوشب در خط مقدم جهاد زندگی کرد و با تلاش و همت شبانه‌روزی، خواب را بر چشم دشمنان این سرزمین حرام کرده بود. سرانجام وعده الهی براونیز محقق شد و به دست شقی‌ترین دشمن بشریت، شهید شیرین شهادت نوشید و به هم‌زمان شهیدش پیوست.

مجاهدت‌های این سردار گرامی همواره در گمنامی بودند و نسل آینده در سایه ایستکارات و اقدامات مردی خواهند زیست که سربازی را ستین برای حضرت امام خمینی و رهبر شهیدمان امام خاмене‌ای رحمت‌الله علیهما، حضرت آیت‌الله‌سیدمجتبی خاмене‌ای ومولت‌شهیدپرو را ایران بودوامنیت و آرامش را به بهای خون خویش برای آنان به ارمغان آورد. مفتخرم که در طول دوران خدمت خود با چنین عزیزانی همکاری کردم که چون شهیدار زیستند و یاداش زحمات شبانه‌روزی خود را با شهادت در راه اسلام و وطن دریافت کردند.

بدون شک همانند گذشته صالحی بعد صالح در این خاک خواهد آمد و پرچمداری بعد از شهیدی متولد خواهد شد تا دفاع از این آرمان بر زمین نماند.

شهادت افتخارآمیز و شجاعانه رئیس عزیز سازمان اطلاعات سپاه، شهید سیدمجید خادمی را خدمت فرمانده معظم کل قوا، خانواده محترم این شهید سعید، سربازان گمنام مهدی موعود(عج) در سازمان اطلاعات سپاه و ملت سرافراز ایران تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال همنشینی با حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام را برای ایشان مسئلت دارم.

محمدباقر قالیاب

رئیس مجلس شورای اسلامی

■سه شنبه ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۵■ ۱۸ شوال ۱۴۴۷■ ۷ آوریل ۲۰۲۶■
سال چهل و یکم■ شماره ۱۱۳۶۰■ روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران■
www.resalat-news.com 📞 📧 📱 @Resalatplus

قیام ملی ایرانیان در آستانه چهل‌مین روز شهادت قائد فاتح هرچه پیشتر به قاله پیروزی نزدیک می‌گردد

ملت در تکاپوی اربعین فر مانده

قمار آخر، برای قمار باز کاخ سفید هوس قمار دیگری باقی نمی‌گذارد

بازنده جنگ زیر ساختی کیست؟

گروه سیاسی

امروز که درسی و هشتمین روز از این نبرد بی‌سابقه و نفس گیر میان آمریکا، رژیم غاصب صهیونی و جمهوری اسلامی ایران به سر می‌بریم، غبار غلیظ توهمات روزهای نخستین جنگ کاملاً فرونشسته و جای خود را به واقعیتی سرد، خشن و به شدت پیچیده داده است. جنگی که با یک خطای محاسباتی بزرگ در واشنگتن وتل آو آغاز شد و بر این پایه استوار بود که ضربات مهلک اولیه، تئورهای حداکثری و هدف قرار دادن کادر رهبری می‌تواند در همان روزهای اول شرازه حکومت در تهران را از هم بپاشد و به تسلیم بی‌قید و شرط منجر شود. اکنون به یک کابوس ژئوپلیتیک تمام عیار تبدیل شده است. جمهوری اسلامی نه تنها فروپاشید و هیچ سیگنالی مبنی بر عقب‌نشینی ارسال نکرد، بلکه با عبور از آستانه تحمل و کنار گذاشتن دکترین «صبر استراتژیک»، باسخی داد که معادلات غرب آسیا را برای همیشه تغییر داد. ایران به جای واکنش‌های نقطه‌ای و محدود، یک جنگ تمام عیار منطقه‌ای را شعله‌ور ساخت و با بستن شریان حیاتی اقتصاد جهان یعنی تنگه هرمز، بحران را از یک درگیری نظامی صرف در غرب

ارائه طرح دوم مرحله‌ای آتش بس ۴۵ روزه از سوی آمریکا و اروپا با میانجی‌گری پاکستان بیش از آنکه یک ابتکار صلح‌آمیز باشد، شبیه یک مانور تاکتیکی برای مدیریت بحران و خرید زمان از سوی طرف غربی است

فریب مضحک ۴۵ روزه

پرونده

حنای شیطان رنگ ندارد

پایان بازی روایت‌سازی ترامپ

هر زمان دیگری بر سر این مناقشه سنگینی می‌کند. جنگ زیرساختی دیگر به معنای هدف قرار دادن پایگاه‌های نظامی یا سیلوهای موشکی نیست؛ بلکه به معنای فلج کردن شریان‌های حیاتی حیات مدنی و اقتصادی یک ملت است. ترامپ با تهدید ایران مبنی بر این قمار خطرناک امیدوار است ایران را به مذاکره و پایان جنگ با توفعاتی سرکوب شده قانع کند و شاید برخی عناصر پلید کاخ سفید در این فکر باطل باشند که اگر نمی‌توانند حاکمیت ملی ایران را از طریق نظامی ساقط کنند، با فروپاشی زیرساخت‌ها، کشور را به عصر پیش-صنعتی بازگرداند تا شاید ایران از سر اتصال تسلیم شود یا حداقل با دستانی خالی و توفعاتی به شدت سرکوب شده، «بای میز مذاکره‌ای تحمیلی بنشیند. اما چرا این سناریو غیرممکن است؟ برای درک عمیق‌تر این قمار استراتژیک، باید سناریوهای مختلف وقوع جنگ زیرساختی را با دقت کالبدشکافی کرد. در سناریوی نخست که می‌توان آن را «تخریب کنترل شده و هدفمند» نامید، ایالات متحده و اسرائیل تلاش می‌کنند تا با استفاده از حملات سایبری پیچیده و بمباران‌های دقیق، شریان‌های درآمدزایی و انرژی ایران را قطع کنند.